

**چرایی انکارهای متهمان به قتل در گفت‌وگو با دکتر ولی‌الله حسینی، کارشناس قضایی**

# انکار قتل مانع اثبات آن نمی‌شود

■ **حسین فصیحی**

یکی از موضوعاتی که در محاکم کیفری یک استان‌ها مطرح می‌شود انکار متهمان به قتل بعد از اعتراف‌های اولیه در مرحله پلیس آگاهی و دادسرای امور جنایی است. توجه کافی به تحقیقات مقدماتی در شکل‌گیری پرونده‌های جنایی، عمده‌ترین موضوعی است که می‌تواند روند رسیدگی به پرونده را در محاکم کیفری یک یا دسورای کمتری مواجه کند. استفاده از بازپرس‌های جنایی کارآمد و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مراحل اولیه بیش از هر چیزی می‌تواند به عنوان ابزارهای مهم به کشف حقیقت بازپرس جنایی وقاضی در محاکم کیفری یک استان به پرونده‌های جنایی بسیاری رسیدگی کرده‌است باز کاوی کرده‌ایم. دکتر حسینی در حال حاضر وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه است.

**یکی از موضوعات مهم در جریان رسیدگی به پرونده‌های قتل در محاکم کیفری یک مربوط است به انکارهای متهمان که بعد از اعتراف‌های اولیه صورت می‌گیرد. به باور شما چه سازوکارهایی در دادسرا و پلیس حاکم است که باعث چنین اتفاقی می‌شود؟**

از نظر حقوقی، اقرار هم در مسائل حقوقی و هم در مسائل کیفری به عنوان یکی از ادله اثبات در علم حقوق مطرح است، اما تفاوت اقرار در امور مدنی و حقوقی و امور کیفری این است که در امور کیفری اقرار باید با اوضاع و احوال پرونده منطبق باشد. مثلاً در زمستان‌های سرد، عده‌ای از کارت‌ن خواب‌ها خودشان راهی اداره پلیس می‌شدند و اعتراف می‌کردند که از خودرویی سرقت کرده‌اند، پلیس هم صور تجلسه می‌کرد و پرونده به دادگاه ارجاع و او هم محاکمه می‌شد تا زمستان را در زندان سپری کند. اما اقرار در موضوعات کیفری را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ یک بخش آنگونه که مقتید انکار می‌شود و بخشی هم که در مرجع انتظامی و قضایی گفته است، تأیید می‌شود که این دسته از اقرارها باید هنگام صدور حکم بررسی و با سایر دلایلی که در پرونده موجود است مطابقت داده شود. عمده مسئله‌ای که در سؤال شما هم بود، این است که بعضی اقرارهای فرد در پلیس و دادسرا در دادگاه انکار می‌شود که این موضوع در جرائم جنایی، مخصوصاً تحقیقات علمی پلیس مدنظر است. متأسفانه رویه‌ای که در بسیاری از پرونده‌ها وجود دارد، خصوصاً در بسیاری از مراکز پلیس آگاهی شهرستان‌ها این است که وقتی متهم اعتراف می‌کند، پلیس یا بازپرس، پرونده را انکسیت می‌داند و به دادگاه ارسال می‌کند. اینجاست که خیلی از اقرارهای صورت گرفته، انکار می‌شود.

**راه حل چیست؟**

راه‌حل این است که باید به اقرار متهم در پرونده کیفری به عنوان نتهاذایل اثبات‌کننده نگاه نشود و سایر ادله و قراین و موضوعاتی که مرتبط است بررسی شود. یاد می‌آید سال‌ها قبل که در کسوت بازپرس در دادسرای جنایی حضور داشتم؛ وقتی سارق‌ی دستگیر می‌شد چند کمند پرونده را گردن می‌گرفت، وقتی او را به محل‌های سرقت می‌بردیم تا محل را نشان دهنه، نمی‌توانست. بنابراین در این پرونده‌ها باید اقرار متهم را با اوضاع و احوال پرونده تطبیق داد. مثلاً اگر فردی به قتل اعتراف کرد باید انگیزه قتل، نحوه قتل، اَلت‌قتاله و موارد دیگر بررسی شود و قطعاً بسیاری از این موارد بررسی می‌شود، ولی به محض اینکه اقرار گرفته می‌شود، تصورشان این است که پرونده تمام شده است. از همین‌رو از ریزه‌کاری‌ها خودداری می‌شود. همین ریزه کاری‌ها سبب می‌شود متهم بعداً انکار کند و بگوید مثلاً زیر فشار پلیس اعتراف کرده‌است. اعتراف‌هایی که در جرائم جنایی در پلیس شکل می‌گیرد، براساس یکسری فرآنتی است که فرد در مظان اتهام قرار داده است. وقتی فرد در مظان اتهام قرار می‌گیرد، پلیس سعی می‌کند دلایل را جمع کند و زمانی که در حال جمع‌آوری اطلاعات است و همان زمان فرد اقرار می‌کند به فرار وی بسند می‌کنند. بنابراین بهترین راهکار این است که اگر متهم در هر مرحله‌ای اقرار کرد با اوضاع و احوال پرونده تطبیق داده شود. صحنه جرم بازسازی و با واقعیت‌های پرونده بررسی شود. من در پرونده ام در جلسه دادگاه این خاطره را نقل کردم. وقتی در دادگاه کیفری استان بودم، بیرمرد و بیزنی نزد من آمدند و گریه می‌کردند. وقتی علت را پرسیدم، گفتند چند سال قبل به

## سارق مسلح طلافروشی: می‌خواستم بارم را ببندم

■ **آرمین بینا**

مرد باارثری که به تشویق دوستانش اقدام به سرقت مسلحه‌آلود از طلافروشی در تهران کرد، یه‌دوید، سپس از دستگیری و گفتی متشکل مالی داشتم و می‌خواستم با سرقت از طلافروشی بارم را ببندم.

چند روز قبل رهگذرانی در حال عبور از خیابانی در نزدیکی خیابان نظام‌آباد تهران متوجه صدای شلیک تیری شدند که از مغازه طلافروشی به گوششان رسید. ثانیه‌هایی بعد مرد سیاهپوش ماسک داری که در یکی از دستاش دستکش کیفی و در دست دیگری کلت کمری داشت، سراسیمه از مغازه طلافروشی بیرون آمد و کم‌ی آن‌طرف‌تر سوار بر موتور سیکلتش شد تا فرار کند. همزمان ازپیر مغازه طلافروشی هم به صدا در آمد و مرد میانسال و پسر جوانی هم از داخل مغازه بیرون آمدند و با داد و فریاد برای دستگیری سارق مسلح از مردم درخواست کمک کردند. سارق مسلح سوار بر موتور سیکلت شده‌بود و مردم هم تلاش می‌کردند مانع فرار او شوند که لحظاتی بعد سارق کنترل موتورسیکلتش را از دست داد و نقش بر زمین شد و صاحب مغازه طلافروشی با کمک مردم سارق را خلع سلاح و دستگیر کرد.

■ **به سبک فیلم‌های هالیوودی**

بدین ترتیب با دستگیری سارق مسلح موضوع به مأموران پلیس خیر داده‌شد و ذی‌باقی بعد هم مأموران در محل حاضر شدند و دستبند به دستان سارق زدند. صاحب طلافروشی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از حادثه مشتریان زیادی داشتم که برای خرید و فروش طلا به مغازم رفت و آمد داشتند تا اینکه ذی‌باقی قبل از حادثه زن و شوهر جوانی برای خرید طلا به مغازم آمدند. ذی‌باقی آنها داخل مغازه بودند و بعد از خرید هم کلتید الکتریکی در مغازه را زدم تا زن و شوهر جوان بیرون بروند. وقتی آنها از مغازه خارج شدند و هنوز در مغازه نیمه‌باز بود، ناگهان مرد سیاهپوشی که کلاه‌ی به سر و ماسک به صورت داشت به سبک فیلم‌های هالیوودی خودش را به داخل مغازه پرت کرد. او در یکی از دستاشش کیسه‌ای و در دست دیگری کلت کمری بود که به طرف من و شاگردم گرفت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنیم. ما فکر کردیم اسلحه‌اش پلاستیکی است یا اینکه می‌خواهد سر به سر ما بگذارد، به همین خاطر با تندی به او گفتیم آقا برو بیرون شوخی نکن، اما مرد سیاهپوش ناگهان با کلت شلیک هوایی و تیرش به سقف مغازه برخورد کرد. در این لحظه من و شاگردم از ترس دست یازمان به لرزه افتاد و زانو زدیدم و سارق مسلح هم شیشه و پتترین را شکست و بیش از ۳۰ النگوی طلا داخل کیسه‌اش ریخت و به سرعت از مغازه بیرون رفت. پس از این ما ازپیر را به صدا در آوردیم و از مغازه بیرون رفتیم و درخواست کمک کردیم که سارق با زانو زدیدم و سارق هوایی خورد و به کمک مردم او را دستگیر کردیم.»

■ **اعتراف**

متهم ۳۷ ساله به نام سهیل پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کرد. وی صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای ویژه سرقت منتقل و در بازجویی مامدی شده به خاطر مشکلات مالی و هزینه درمان فرزند خردسالش نقشه سرقت از طلافروشی را طراحی و اجرا کرده‌است. متهم در



**به چه کاری مشغولی بودی؟**

کار گری می‌کردم. البته بیشتر با برسی کار می‌کردم و در آمدن خوب بود، اما مدتی قبل تصادف کردم و کمرم به شدت آسیب دید و پس از آن نتوانستم با بربری کنم و بیکار شدم تا اینکه با باب مغازه به مساحت ۱/۱۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۴۷۲ فرعی شش دانگ یکی از دستا به نام مسعود قرض گرفته‌بودم و قرار بود بدهی‌شان را خیلی زود پرداخت کنیم، اما نتوانستم بدهی را بدهم. مدتی قبل برای گرفتن طلب ۷ میلیون تومانی‌ام به سراغ یکی از دوستانم به نام مسعود رفتم و او پیشنهاد داد سرقت کنم.

**دوستم به چه جرات پرداخت بدهی‌اش از شما خواستند چگونه کنی؟**

ما دو نفر با هم در با بربری کار می‌کردیم و از آن زمان من ۷ میلیون تومان به او قرض داده‌بودم و بعد هم بیکار شدم و حتی طلبم را همم فراموش کردم. چند سالی بود او را ندیده بودم تا اینکه یکی از دوستانم پیشنهادش کرد من به گفت مسعود وضع مالی‌اش خیلی خوب شده‌است. وقتی اسم مسعود را شنیدم تازه یادم آمد که از او طلب دارم، به همین خاطر به سراغش رفتم تا طلبم را بگیرم. به او گفتم وضع مالی خوبی ندارم و بدهی بالا آورده‌ام و او هم پیشنهاد داد از طلافروشی سرقت کنم. گفت با دو سه بار سرقت بار خودم را می‌بندم و وضع مالی‌ام توپ می‌شود. در نهایت او کلت کمری به قیمت ۱۰ میلیون تومان به من فروخت و من هم ۷ میلیون تومان طلبش داشتم و ۳ میلیون تومان هم به او دادم و کلت کمری را خریدم به امید اینکه با سرقت مسلحه‌ان از طلافروشی پولدار شوم، اما بدبخت شدم.

**چرا این طلافروشی را انتخاب کردی؟**

طلافروشی همیشه در مسیرم بود، اما خیلی جویچی به آن نداشتم تا اینکه صبح روز حادثه وقتی از نزدیک مغازه طلافروشی عبور کردم، ناگهان چشمم به تابلو مغازه افتاد. توقف کردم و اطراف آن را بررسی کردم و دیدم مکان خوبی برای اسلحه‌های مستر و راه در روز زادی دارد. به خاطر همین این طلافروشی را برای سرقت انتخاب کردم.

**در باره روز حادثه توضیح بده؟**

من بعد از ظهر رفتم و اطراف مغازه را خوب بررسی کردم و چند ساعتی هم در آن محل از دور مغازه را تحت نظر گرفتم تا اینکه عصر لباس پوشیدم و ماسک و کلاه گذاشتم و اسلحه‌ام را برداشتم. با موتورسیکلتم نزدیکی مغازه طلافروشی رفتم. مغازه‌اش شلوغ بود، اما کم کم خلوت شد و وقتی آخرین مشتریانش که زن و مرد جوانی بودند، از مغازه بیرون آمدند به داخل مغازه پریدم و با تهدید اسلحه از صاحب مغازه خواستم حرکتی انجام ندهد. به او گفتم به اندازه نیازم طلا بر می‌دارم، اما او خیال می‌کرد اسلحه‌ام پلاستیکی است و به همین خاطر مجبور شدم تیر هوایی شلیک کنم. سپس دستم را به و پتترین بردم و ۳۰ عدد النگو برداشتم و از مغازه بیرون زدم.

**چطور دستگیر شدی؟**

من اولین بارم بود و وقتی سوار موتورسیکلتم شدم و داد و فریاد صاحب مغازه و صدای ازپیر را شنیدم، خیلی ترسیدم و کنترل موتورسیکلتم را از دست دادم و زمین خوردم و مردم هم مرا دستگیر کردند.

# حجرات

سرویس حوادث، ۸۸۹۸۴۳۵

**باین حال آیا رویه‌ای که در دادسرای امور جنایی و پلیس آگاهی حاکم است، رویه‌ای مطلوب است؟**

خیر. معمولاً به انکار‌های بعد از اقرار توجه نمی‌کنند. خیلی وقت‌ها یک اعتراف یا چیزی که مدنظر متهم است سازگار نبوده است. الان رویه این است که می‌نویسند «هرغم اقرار متهم». فکری می‌کنند تحت آموزش وکیل است که اینطور نیست. اگر اقرار بعدی را زیر سؤال برد، دادگاه موظف است درباره نحوه اقرار از وی تحقیق کند.

**اینجا یک آسیب جدی وجود دارد. اینکه از زمان حادثه تا زمان رسیدگی به پرونده بسیاری از ادله که مدنظر شماسات از بین برود.**

بله ممکن است از بین برود و خیلی وقت‌ها به ضرر متهم تمام می‌شود.این به عملکرد پلیس و دادسرا مربوط است، مخصوصاً در دادسرا. در دادسرا باید از قضات باتجربه در پرونده‌های جنایی استفاده شود. من سال‌ها در دادسرا حضور داشتم و زمانی که به دادگاه کیفری رفتم، دیدم به عنوان بازپرس به چه ریزه کاری‌های مهمی توجه می‌کردم.

**معمولاً بازپرس‌هایی که در دادسرا حضور دارند، تجربیات قضات دادگاه کیفری را ندارند. در اینجا از باز پرس‌هایی استفاده می‌شود که سال‌های اولیه فعالیت قضایی خود را انجام می‌دهند. آیا این یک نقص تلقی می‌شود؟**

بله، دقیقاً اگر از بازپرس‌های جوان استفاده می‌شود باید بازپرس‌هایی انتخاب شوند که علاقه‌مند هستند و مطالعه دارند و در رشته‌های کیرف‌شناسی و جرم‌شناسی تحقیقات دارند.

**این روزها باید پدیده‌های نوینی در فیلم، عکس و از این موارد در زندگی اجتماعی مواجه هستیم. آیا استفاده از آن می‌تواند به تحقیقات جنایی کمک کند؟**

بله، اینها بسیار موثر هستند. خیلی وقت‌ها انکار‌های متهم بعداً با این ادله و قراین که اعتبار مسائل علمی است، رد می‌شود که با آموزش و به کارگیری مکتوم و رای او هم تأیید و قवास شد. الان قاتلی پیدا شده که معلوم شده او قاتل اصلی دختر مایوده است. احتمالاً داماد خانواده دیده که همسرش را از دست داده و تحت فشار است برای همین اقرار کرده است که از زندگی راحت نبود. بنابراین بازپرس نباید به اقرار به عنوان شاهدلین نگاه کند. در امور حقوقی اقرار شاهدلین است، اما در امور کیفری، اقرار یکی از دلایل است و باید حتماً با سایر اوضاع و احوال پرونده بررسی شود. بنابراین اگر چنین قراری از اول بررسی و تطبیق داده شد، دیگر دنگر انکار نیست.

**بسیاری از پرونده‌هایی که در محاکم کیفری رسیدگی می‌شود عمده شاخص‌های مورد نظر را دارا هستند. در تحقیقات مقدماتی هم به موضوعات جانبی توجه شده و تحقیقات هم نشان می‌دهد متهم مرتکب قتل شده است. رأی هم که صادر می‌شود، فرد به مجازات تعیین شده محکوم می‌شود و دادگاه هم فقط به انکار فرد توجه نمی‌کند.**

اقرار بحثی فنی دارد. فرد می‌گوید من کشتیم، برای چه کشتیم؟ بعداً می‌آید می‌گوید به خاطر دفاع از خودم کشتیم. خیلی وقت‌ها تصمیم‌گیری‌ها و کیفرخواست‌های مقدماتی صرفاً براساس اقرار است و به جزئیات، به نموده و اینکه اقرار چگونه شکل گرفته است، توجه نمی‌شود. این می‌شود که بعداً در محاکمه و مراجع عالی مثل دیوان عالی کشور برای پرونده جالش ایجاد می‌شود.

**قضایی و پلیس وجود دارد؟**

بله، اگر قراین ادله کافی باشد، متهم وظیفه‌اش است که بپذاید انکار کند، ولو اینکه قبلاً اعتراف کرده باشد یا اقرارش را توجیه کند. نباید از متهم یا وکیلش انتظار اعتراف داشته باشیم. از همین‌رو دادگاه باید بتواند با قراین و شواهدی که به صورت عملی جایی آوری شده‌است، تصمیم بگیرد.

**یعنی کار آگاه‌های خصوصی فعال شوند؟**

بله، اینها بسیار موثر هستند. خیلی وقت‌ها انکار‌های متهم بعداً با این ادله و قراین که اعتبار مسائل علمی است، رد می‌شود که با آموزش و به کارگیری فناوری باید به آن توجه شود. پیشنهاد ما این است که قسمت‌های تشخیص هویت، آزمایشگاه‌های جنایی و انگشت‌نگاری خصوصی در کشور دایر شوند که بتوانند با هزینه بیشتر، حوصله بیشتر و استفاده از سرهنگ و کار آگاه‌های بازنستسته، به دستگاه کیفری کشور نظر مشورتی بدهند.

**یعنی کار آگاه‌های خصوصی فعال شوند؟**

بله، اگر قراین ادله کافی باشد، متهم وظیفه‌اش است که بپذاید انکار کند، ولو اینکه قبلاً اعتراف کرده باشد یا اقرارش را توجیه کند. نباید از متهم یا وکیلش انتظار اعتراف داشته باشیم. از همین‌رو دادگاه باید بتواند با قراین و شواهدی که به صورت عملی جایی آوری شده‌است، تصمیم بگیرد.

**در کشورهای پیشرفته این ساختار چگونه دنبال می‌شود؟**

از تکنولوژی‌های جدید مثل فیلمبرداری از اتاق بازجویی، ضبط صوت، فیلمبرداری در دادگاه و حتی لباس‌های پلیس که مجهز به دوربین است، استفاده می‌شود که ضرورت دارد در ساختار پلیس و قضایی از آن استفاده شود.

## پلیس: تصادفات سالانه ۶ هزار زن را

### بی‌سرپرست می‌کند

چانسنین پلیسین راه راه‌ور فراجا بنا اعلام اینکه هر ساعت در تصادفات دو نفر جان خود را از دست می‌دهند و ۲۰ تا ۲۵ نفر هم مجروح و معلول می‌شوند، گفت: در همین تصادفات، سالانه ۶ هزار زن بی‌سرپرست می‌شوند. سرهنگ سیاوش محبی در مورد چرخه معلول‌سازی و مرگ در جاده‌ها گفت: در حال حاضر روزانه تقریباً در هر ساعت دو نفر در اثر سانحه رانندگی جان خود را از دست می‌دهند و به ازای فوت هر دو نفر نیز ۲۰ تا ۲۵ نفر مجروح و معلول می‌شوند. بر اثر همین تصادفات مرگبار، سالانه بسیاری از خانواده‌ها به دلیل از دست دادن سرپرست خائوار دچار فقر می‌شوند، به طوری که سالانه حدود ۶ هزار خانواده بی‌سرپرست و یتیم می‌شوند. چانسنین پلیس راه راهور فراجا با بیان اینکه در حال حاضر ۳۲ درصد ناوگان حمل و نقل کشور دچار فرسودگی است و این فرسودگی ناوگان باعث شدت تصادفات می‌شود، اظهار داشت: متأسفانه بسیاری از خودروهای تولید داخل در اولین برخورد از رده خارج و حتی برخی نیز دچار انفجار می‌شوند. وی افزود: پلیس راه در ۱۰ سال گذشته بسیاری از خودروسازان را مقصر تصادفات اعلام کرده است، ولی متأسفانه نتوانسته جلوی تولید خودروهای بی کیفیت را بگیرد.

# بازداشت قاتل در خانه خاله

■ **نوید نگار**

پسر جوانی که با همدستی یکی از دوستانش در دگیری سرد جوانی را به قتل رسانده بود، پس از دستگیری در خانه خاله‌اش به قتل اعتراف کرد.

شامگاه جمعه پنجم اسفندماه قاضی محمدحسین زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماشای تلفنی مأموران پلیس از قتل پس از ۲۶ ساله‌ای باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه در خیابانی حوالی میدان شهیدا با جسد خونین مرد جوانی به نام بهراد رویه‌رو شد که با چاقو به قتل رسیده‌بود. بررسی‌هایشان داد مقول همراه دوستانش سوار بر یک خودرو پژو بودند که با سر نشینان خودروی پرایدی در گیر می‌شود و او به قتل می‌رسد.

مأموران در نخستین گام عاملان قتل را شناسایی کردند و دریافتند آنها با خودرویشان به شهرستان تبریز گرخته‌اند. بدین ترتیب مأموران راهی تبریز شدند و متهم‌را همراه دختر مورد علاقه یکی از آنها بازداشت و تیم جنایی منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها گفت: «هن دختر مورد علاقه‌ام و دوستم با خودروی پرایدمان در حال دورود بودیم که با سر نشینان خودروی پژو به خاطر سبقت درگیر شدیم. آنها به ما حمله کردند و من با چاقو ضربه‌ای به یکی از آنها زدم. پس از این دوستم گفت به تبریز بروم و در خانه خاله‌اش مخفی شوم که سه روز راهی تبریز شدیم.» تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

### نوبت اول

**آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**

**حوزه ثبتی ناحیه یک شهر کرد بخش ۱۰ استان چهار محال و بختیاری**

از خداداد توسلی زانباتی،
■ ۱۶۱۷ فرعی آقای غلامحسین نیکان نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۴۴/۳۵ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از خداداد توسلی زانباتی.
■ ۲۵۴۶ فرعی آقای راه‌اعلی کریم‌زاده بارده نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۹۸/۴۶ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از سیف‌الله نو کولی.
■ ۲۵۶۱ فرعی خانم زهرا ابوظالی زاده نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۹۶/۹۵ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از یداله صبری.
■ ۲۹۸۲ فرعی آقای گوذر فرهادی بابادی نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۳/۲۵ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از خداداد توسلی زانباتی.
■ ۳۶۱۸ فرعی خانم پروانه طاهری نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از حیدر آقا توکلی زانباتی.
■ ۴۳۶۲ فرعی آقای علی داد پورانی نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۸ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از رحمت‌اله مرادی.
■ ۴۵۲۵ فرعی آقای قریسه پیرمحمدی یارده نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۳۲/۴۹ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از خداداد توسلی زانباتی.
■ ۴۵۲۵ فرعی آقای غلامحسین قاندری نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۴/۸۹ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از خداداد توسلی زانباتی.
■ ۴۵۲۸ فرعی خانم مهوش قربانی آقبلاغی نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۳۳/۲۳ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از مراد نظری زانباتی.
■ ۴۵۲۸ فرعی خانم مهوش قربانی آقبلاغی نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۸/۹۹ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از علی اکبر اکبری.
■ ۴۵۲۸ فرعی خانم زین‌العابدین غریبی به شماره پلاک ۲۲-۱ اصلی) که به پلاک ۱۵۷۲- اصلی تبدیل گردیده است.
■ ۴۰۵ فرعی خانم مهین تاج نظری وانانی نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۶/۵۴ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از یداله جعفری.
■ ۱۵۶۲ فرعی آقای حسین مردان پور نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۳۹/۸۹ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از میرابوالقاسمی.
■ ۱۵۶۲ فرعی آقای مهدی مردان پور نسبت به چهار دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۳۹/۸۹ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از سید کریم محمد بنی طالبی.
■ ۱۲۱۶ فرعی آقای محسن مظهری نسبت به یک دانگ مشاع از شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۸/۹۲ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از محمد بنی طالبی.
■ ۱۲۱۸ فرعی خانم زهرا مظفری وانانی نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴۷/۱۰ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از حاج آقا آل ابراهیم.
■ ۱۲۱۶ فرعی خانم زین‌العابدین غریبی از مزایع شهر کرد پلاک (تاج- اصلی) که به پلاک ۱۵۷۳- اصلی تبدیل گردیده است.
■ ۱۵۲ فرعی آقای شاهرخ کاسوسی نسبت به چهار دانگ مشاع از شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۶۵/۰۸ مترمربع خریداری شده مع الواسطه از سیدمحمد حسینی.

به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی این آگهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی و در صورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای صادره اعتراض داشته باشند باید تا ماهه از تاریخ انتشار اولین آگهی به شهروها و از تاریخ الصاق آگهی در روزنامه‌ها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد ناحیه یک شهر کرد تسلیم و رسیدن آنجا نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه یک شهر کرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، منوکل به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود.
■ تاریخ انتشار نوبت اول: سه‌شنبه ۱۴۰۱/۱۲/۰۹
■ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۱/۱۲/۲۴
■ آگیزر یزادی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شهرتان شهرکرد